فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره نوزدهم، تابستان ۱۳۹۸، صص ۹۱-۷۳ New Period, No 19, 2019, P 73-91
شماره شاپا (۲٤۷٦-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

بررسی شاخص‌های درآمد و بیکاری بر مهاجرت در ایران

مهدی ثابت لردجانی
کارشناس ارشد علوم اقتصادی

چکیده

پدیده مهاجرت یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌های جمعیتی، و رابطه این پدیده با فرایند گسترش شهری و شهرنشینی در جوامع، پدیده‌ای به مراتب پیچیده تر است. پیچیده‌تر از اینها فرایند سازگاری مهاجران در شهرهاست؛ چرا که زندگی شهری تنها مساله سکونت در شهر نیست بلکه متضمن رعایت اصول و آدابی است که در مجموع زیر بنای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگ شهری را تشکیل می‌دهند. بیگانه بودن مهاجران به ویژه مهاجران روستایی با این اصول و عدم برخورداری آنان از جایگاه اقتصادی و اجتماعی مشخص، پیامدهای گوناگون جمعیتی، رفتاری، اخلاقی و روانی دارد. برخورد مهاجران با فرهنگ جوامع شهری و چگونگی سازگاری آنان با محیط های ناآشنا و متفاوت شهری موضوع اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد پدیده مهاجرت، عبارت‌است از جابه‌جایی مردم از مکانی به مکانی دیگر به علل و عوامل مختلف. جریان مهاجرت‌های بین المللی به دلایل مختلفی مثل فروریختن مواضع سیاسی در امر جابه جایی، توسعه سیستم‌های ارتباطی، ارزان تر شدن هزینه‌های حمل و نقل، نابرابری در سطح دستمزدها در کشورهای مختلف و نیاز به نیروی کار و. . . براساس آمار و اطلاعات دقیق درحال افزایش است. شکل‌گیری مهاجرت به عنوان یکی ازپدیده‌های اجتماعی کلان ذهن و اندیشه بسیاری از صاحب نظران را به خود معطوف نموده است. جابه جا شدن انسان‌ها برای ارتقای کمی و کیفی زندگی، ابعاد تازه‌ای به خود گرفته و این تحرکات به عنوان یک مسأله اجتماعی مطرح گردیده است. از این رو بررسی مهاجرت به عنوان یک پژوهش جدی بین رشته‌ای، میان جمعیت‌شناسی و دیگر حیطه‌های علمی نظیر جامعه‌شناسی، روان شناسی و اقتصاد مطرح شده است. امروزه مهاجرت‌ها تنها با انگیزه زیستی و بیولوژیکی انجام نمی‌شوند بلکه مهاجرت در جهان امروزه پدیده‌ای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است

واژه‌های کلیدی: شاخص، درآمد، بیکاری، مهاجرت و ایران

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-27]

مقدمه

در طرح مسأله مهاجرت لازم است به چند نکته توجه شود:

۱- مهاجرت یک مسأله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. بنابراین باید در بررسی این پدیده به سیاسیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی - آموزشی و سیاسی نظام توجه کرد.

۲- مهاجرت به خصوص مهاجرت نخبگان حاصل اقتصاد بازار آزاد و ایجاد نوعی بازار بین المللی برای دستیابی به مهارت‌های تخصصی است.

۳- بررسی پدیده مهاجرت غیر از دلایل درونی کشور به مسایل خاص کشورهای مقصد نیز ارتباط دارد.

۴- مهاجرت برای کشور و دولت مبدأ همواره و از همه جهات، مسأله آفرین نیست؛ زیرا در حالیکه مشکل کمبود نیروی انسانی ماهر و متخصص و تقلیل سرمایه انسانی را پیش می‌آورد ولی از مشکلات جمعیتی اشتغال و نیز بحران‌های سیاسی و اجتماعی جامعه مبدأ می‌کاهد (شهبازی، ۱۳۸۶: ۱۲-۶). از نظر تاریخی، مهاجرت به عنوان یک جزء دیرپا در تمدن بشر در غنی‌تر ساختن جوامع و سودرسانی به اقتصاد کشورهای مبدأ و مقصد نقش داشته است. چنین تخمین زده می شود که در حدود ۱۹۱ میلیون نفر در خارج از کشور محل تولد خود زندگی می‌کنند که این تعداد بیش از۳ درصد از جمعیت جهان را به خود اختصاص داده است. مهاجرت بین‌المللی به صورت یکی از شاخص‌های تعریف کننده‌ی جهان معاصر درآمده است که بر تعامل میان مردم، جوامع و بازارها تأثیر می‌گذارد. آنچه مهاجرت امروز را متفاوت می‌کند، پویایی، جا به جایی‌های مهاجرتی و در نتیجه آن تأثیر مهاجرت است که تفاوت فاحش کرده است. تعداد افرادی که تغییر مکان می‌دهند، امروزه بسیار افزایش یافته است به طوری‌که حدود یک نفر از هر ۳۵ نفر در جهان مهاجر است. (Report IOM, 2005). کوتاری (۲۰۰۲)، مهاجرت را به حرکت یک فرد یا گروهی از افراد در امتداد مرزهای سیاسی از یک واحد جغرافیایی به واحدی دیگر برای اقامت دائم یا موقت در مکانی غیر از کشور مادر، تعریف می‌کند و آن را عاملی برای تغییر وضعیت فرد مهاجر کننده لحاظ می‌کند. کریتز (۲۰۰۷)، نیز، مهاجرت را تغییر مکان اقامت معمول فرد از یک کشور به کشور دیگر، تعریف می‌کند. و به عبارتی، هر گونه تغییر مکانی که منجر به اقامت فرد در یک دوره زمانی (حداقل یک سال) شود، به مهاجرت معروف است. این پدیده که امروزه به معضلی برای کشورهای در حال توسعه تبدیل شده (به ویژه در سطح مهاجران نخبه)، ریشه‌های اجتماعی، روان‌شناختی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مختلفی داشته و درگونه‌های مختلف، بر اساس کارکردی متفاوت صورت می‌گیرد که البته از سطوحی چند وجهی نیز برخوردار است. برای نمونه، بر اساس نظریه‌های مهاجرتی، مدل‌های جاذبه (عواملی که باعث جذب در منطقه مقصد می‌شود) و دافعه (عواملی که باعث دفع انسان‌ها از محل اسکان خود می‌شود)، که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مطرح شده و از اصلی‌ترین نظریات مربوط به مهاجرت محسوب می‌شود و نظریات بسیاری بر اساس آن پایه‌گذاری شده، در ارتباط با تأثیر عوامل مجذوب کننده و طردکننده مناطق در مهاجرت صحبت می‌کنند که این عوامل می‌توانند تمام ریشه‌های

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-27]

پیش گفته (اعم از اقتصادی) را در بر گیرند که توسط اندیشمندان بسیاری مورد توجه قرار گرفته است (روانشتاین (۱۸۸۵).

ضرورت و اهمیت انجام تحقیق

پدیده مهاجرت هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه وجود دارد؛ لیکن نوع و ماهیت این مهاجرت‌ها متفاوت است. مهاجرت یکی از ابعاد مهم فرآیند توسعه اقتصادی- اجتماعی به شمار می‌آید وجابجایی بی سابقه انسان ها در درون مرزهای یک کشور، جزو بزرگترین تغییرات قرن بیستم به شمار می‌رود. روشن است که با شناخت درست و صحیح این پدیده و اطلاع از وضعیت موجود آن می توان اقدام به برنامه‌ریزی جامع و کارآمد در راستای کنترل و مسیردهی موثر به این مقوله مهم نمود. بطور کلی واژه مهاجرت در مفهوم جابجایی و انتقال جمعیت در مکان یا تحرک جغرافیایی جمعیت بکار می‌رود. مهاجرت در برگیرنده ۴ بعد ویژه یا متغیر است. تغییر در مکان، اقامتگاه، زمان و نوع فعالیت. واژه مهاجرت در معنای جابجایی و انتقال جمعیت در مکان یا تحرک جغرافیایی جمعیت استفاده می شود و معنای خاص آن عبارت است از نقل مکان انفرادی یا جمعی انسان‌ها یا تصمیم به تغییر محل اقامت و کار به طور دائم یا به مدت طولانی و بیش از یک سال. در جمعیت شناسی، مهاجرت عبارت است از جابجایی افراد یا گروه‌ها که متضمن تغییر دائمی یا نیمه دائمی محل سکونت است. در طرح مسأله مهاجرت لازم است به چند نکته توجه شود:

۱- مهاجرت یک مسأله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. بنابراین باید در بررسی این پدیده به سیاسیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی - آموزشی و سیاسی نظام توجه کرد.

۲- مهاجرت به خصوص مهاجرت نخبگان حاصل اقتصاد بازار آزاد و ایجاد نوعی بازار بین المللی برای دستیابی به مهارت‌های تخصصی است.

۳- بررسی پدیده مهاجرت غیر از دلایل درونی کشور به مسایل خاص کشورهای مقصد نیز ارتباط دارد.

۴- مهاجرت برای کشور و دولت مبدأ همواره و از همه جهات، مسأله آفرین نیست؛ زیرا در حالیکه مشکل کمبود نیروی انسانی ماهر و متخصص و تقلیل سرمایه انسانی را پیش می‌آورد ولی از مشکلات جمعیتی اشتغال و نیز بحران‌های سیاسی و اجتماعی جامعه مبدأ می‌کاهد (شهبازی، ۱۳۸۶: ۱۲-۶). از نظر تاریخی، مهاجرت به عنوان یک جزء دیرپا در تمدن بشر در غنی‌تر ساختن جوامع و سودرسانی به اقتصاد کشورهای مبدأ و مقصد نقش داشته است. چنین تخمین زده می شود که در حدود ۱۹۱ میلیون نفر در خارج از کشور محل تولد خود زندگی می‌کنند که این تعداد بیش از۳ درصد از جمعیت جهان را به خود اختصاص داده است. مهاجرت بین المللی به صورت یکی از شاخص‌های تعریف‌کننده‌ی جهان معاصر درآمده است که بر تعامل میان مردم، جوامع و بازارها تأثیر می‌گذارد. آنچه مهاجرت امروز را متفاوت می‌کند، پویایی، جا به

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-27]

جایی‌های مهاجرتی و در نتیجه آن تأثیر مهاجرت است که تفاوت فاحش کرده است. تعداد افرادی که تغییر مکان می‌دهند، امروزه بسیار افزایش یافته است به طوری‌که حدود یک نفر از هر ۳۵ نفر درجهان مهاجر است.(Report IOM, 2005)

مهاجر کیست و مهاجرت چیست؟

در پاسخ باید گفت که در ادبیات مربوط به مطالعات مهاجرت، تعریفی جامع و مانع از مهاجر وجود ندارد. علت فقدان یک تعریف کاملاً عملیاتی این است که چون مهاجر، از متن‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مختلفی بر می‌خیزد، پژوهشگران را با متغیرهای متنوعی روبه رو می‌سازد که این به نوبه خود دستیابی به تعریف را با چالش مواجه می‌سازد. بر اساس تعریف سازمان ملل، بنا به دلایل آماری، مهاجر کسی است که به کشوری غیر از کشورهایی که تابعیت آن را دارا می‌باشد وارد شده و حداقل ۱۲ ماه در آن اقامت می‌گزیند (UN 1998:4-5). همچنین بر اساس نظریه اورت لی، مهاجرت عبارت است از« تغییر دائمی یا نیمه‌دائمی مسکن، بدون هیچ محدودیتی در مورد فاصله حرکت و ماهیت اختیاری یا اجباری مهاجرت، همچنین بدون هیچگونه تمایزی بین مهاجرت داخلی یا خارجی» (زنجانی، ۱۳۸۰). رولان پرسا مهاجرت را حرکات افراد یا گروه‌ها می‌داند که تغییر دایمی یا طولانی محل اقامت معمولی فرد را به دنبال دارد(همان) و دونالد جی- بوگ، مهاجرت را پاسخ ارگانیسم انسانی به نیروهای اقتصادی- اجتماعی و جمعیتی در محیط تعریف می‌کند (لهسایی زاده، ۱۳۶۸: ۵۵).

وضعیت مهاجرت بین المللی درعصرحاضر:

الف- بر اساس آمار سال ۲۰۰۵، از هر ۱۰ نفر مهاجر بین‌المللی ۶ نفر در کشورهای توسعه یافته زندگی می-کنند.

ب- طبق آمار تخمین زده شده، تعداد مهاجرین در سال ۲۰۵۰ از مرز ۲۵۰ میلیون نفر خواهد گذشت.

ج- پیرو جهانی شدن و تحولات بین‌المللی نظام‌های سیاسی، جابه‌جایی‌های مهاجرتی نیز دستخوش دگرگونی قرار گرفته است.

ر- طبق مطالعات جدید چنانچه کشورهای توسعه یافته تنها یک سهمیه ۳ درصدی برای نیروی کار مهاجر، منظور کنند رشد سالانه دارایی‌های جهانی بین ۵۰ الی ۲۰۰ میلیارد دلار خواهد شد. (haq, Shahidul 2006)

سه موج مهاجرت‌های بین‌المللی در ایران:

مهاجرت به خارج از ایران را می‌توان از سال۱۳۳۰ (۱۹۵۰) به سه موج اصلی که با موقعیت اقتصادی و اجتماعی و انگیزه هایی برای مهاجرت در ارتباط بود سازماندهی کرد. اولین موج مهاجرت با بهبود یافتن

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-27]

شرایط اقتصادی تدریجی ایران و شروع استخراج نفت بعد از جنگ جهانی دوم آغاز شد. درآمد حاصل از صادرات نفت، تغییر ناگهانی در جامعه ایران از سنتی به مدرن را اجازه داد و شاهد تحرک خانواده طبقه میانی و بالا برای فرستادن فرزندانشان به خارج جهت کسب تحصیلات و دسترسی به امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، در این دوره بسیار دیده می‌شد. موج دوم، در اوایل انقلاب اسلامی اتفاق افتاد و عناصر لیبرال و سوسیالیست اولین گروه‌هایی بودند که جهت فرار از محدودیت‌های جنسی، خدمت نظام وظیفه و فشارهای جنگ ایران و عراق؛کشور راترک کردند. همچنین افزایش مهاجرت افراد با تحصیلات عالی و مهارت بالا در اثر انقلاب فرهنگی را در این دوره شاهدیم (Hakimzadeh, 2006: 22). پدیده مهاجرت متخصصان، که از سال‌های ۱۳۳۰ شمسی در ایران شکل گرفته بود. با آغاز انقلاب اسلامی در اواخر دهه‌ی ۱۳۵۰(۱۳۵۷) تا ربع سوم دهه‌ی ۱۳۶۰ مهاجرت متخصصان به خارج از کشور در سه مرحله و تحت شرایط و اوضاع و احوال متفاوتی شکل گرفته‌است. مرحله اول: در آستانه انقلاب؛ یعنی ماه‌های پیش از بهمن ۱۳۵۷ که قشر وسیعی از متخصصان شاغل در نهادهای دولتی، اغلب در گروه نسبی بالا و با تجربه مطالعاتی از انقلاب‌های دنیا، آسان و سریع جذب جامعه میزبان و مشغول کار شدند. مرحله دوم: که از بهمن ۱۳۵۷ اغاز شد و طی آن گروه‌های متعدد بر اثر عوامل و انگیزه‌های متفاوت و در مقاطع زمانی مختلف مهاجرت کردند. در ماه‌های اول پس از پیروزی انقلاب به خاطر بروز ناآرامی‌ها و نا امنی‌های خیابانی، گروهی از ترس و وحشت با عجله و شتاب و بدون برنامه ریزی قبلی ایران را ترک کردند. این گروه، در واقع قشر دیگری از همان گروه اول بودند که روزهای پس از انقلاب را نتوانستند به درستی درک و پیش بینی کنند. در همین مرحله گروه سومی وجود دارند که حاصل دوران اولیه انقلاب از دانشگاه‌ها و مؤسسات و ادارات دولتی هستند. مرحله سوم که در آن دو عامل موجب شدت گرفتن مهاجرت متخصصان به خارج شد. عامل اول، بسته شدن دانشگاه‌هاو در فاصله کوتاهی از آن، عامل دوم که آغاز جنگ تحمیلی است. عامل اول موجب شد تا متخصصان جوانی که در اوایل انقلاب با اشتیاق به ایران برگشته‌بودند و هر کدام در دانشگاه یا مؤسسه‌ای مشغول به کار شده‌بودند، چون هنوز به طور پیمانی یا ساعتی به تدریس اشتغال داشتند و به استخدام رسمی در نیامده بودند، با بسته شدن دانشگاه‌ها به کشور محل تحصیل خود بازگردند تا چه بسا با یافتن شغل جذب جامعه میزبان شوند. عامل دوم جنگ تحمیلی؛ به تدریج و در بلند مدت موجب مهاجرت اقشار مختلف، از جمله متخصصان به ویژه پزشکان شد که مجبور بودند مدتی را در جبهه بگذرانند. در این دوره حتی متخصصان بالقوه یعنی جوانانی که به سن خدمت نظام وظیفه رسیده بودند برای گریز از آن به طریق مختلف از کشور خارج شدند و در کشورهای اروپایی به تحصیل پرداختند و موفق به کسب تخصص شدند(نراقی، ۱۳۷۰: ۱۵-۱۳).

جریان مهاجرت در این دوران را می‌توان به سه منطقه تقسیم کرد. اروپا، امریکا و کشورهای خلیج فارس؛ و علت اصلی مهاجرت‌ها دو دلیل بود:

۱- جهت ادامه تحصیل

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-27]

۲- جهت یافتن شغل. (Lahsaizadeh, 2002: 67-70)

بالاخره موج سوم که بیش از ۱۰سال گذشته را شامل می‌شود. یعنی از ۱۳۷۵ (۱۹۹۵)تاکنون. این موج جمعیت بسیار متفاوتی را در بر می‌گیرد؛ افراد با مهارت بالا، مهاجرت طبقه کارگر و پناهندگان سیاسی و اقتصادی با سطوح تحصیلاتی پایین تر و مهارت‌های کمتر از مهاجران قبلی(Hakimzadeh, 2006: 23).

بر اساس مطالعات انجام گرفته توسط صندوق بین‌المللی پول، در بین ۶۱ کشور در حال توسعه، ایران بیشترین درصد مهاجرت افراد با تحصیلات عالیه را دارد. سایر آمارها هم مهاجرت رو به رشد ایرانیان تحصیل کرده به خارج از کشور در دو دوره ۱۹۷۳-۱۹۹۳ را نشان می‌دهد، به گونه‌ای که در این دوره به طور میانگین هر سال نزدیک به دوازده هزار نفر نیروی کارشناس از ایران به دیگر کشورها مهاجرت کرده اند (حسینی نژاد و کافی، ۱۳۸۲؛ رونقی، ۱۳۷۵؛ دهقان، ۱۳۸۲به نقل از صالحی عمران، ۱۳۸۴: ۵۷). در عصر حاضر به دلیل جهانی شدن و تحولات بین‌المللی نظام‌های سیاسی، جابه جایی‌های مهاجرتی دستخوش دگرگونی‌های بنیادین شده است. ایران همانند کشورهای دیگر در این زمینه تغییرات چشمگیری دیده است. امروزه ایران دارای بالاترین میزان برون کوچی و درون کوچی و رشد شهر نشینی در جهان می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران در یک مقایسه بین‌المللی، در منطقه آسیا و اقیانوسیه با ۱۶ درصد مهاجرت متخصصان دارای دومین رتبه به لحاظ میزان مهاجرت نیروی انسانی متخصص به مقصد کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) است (محمدی الموتی، ۱۳۸۳: ۲۰۹).

با توجه به مراتب یادشده این مسأله مطرح می‌شود که - میزان تمایل به مهاجرت‌های بین المللی جوانان چقدر است؟ - علل و انگیزه‌های مؤثر بر مهاجرت جوانان کدامند؟ و کدام عامل بر انگیزه آنها بیشترین تأثیر را داراست؟

پیشینه پژوهش

اهمیت مرور پژوهش‌های پیشین، در این است که با بررسی مطالعات قبلی، جنبه‌های دیگر تحقیق را می‌توان شناخت. همچنین، استفاده از منابع علمی متعدد، راه را برای دید وسیع‌تر محقق، در امر پژوهش هموار خواهدکرد. جواهری و سراج‌زاده (۱۳۸۰) در تحقیقی تحت عنوان «عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت خارج از کشور» با یک نمونه ۱۵۲۲ نفری از دانشجویان دانشگاه‌های ایران و با روش تحلیل ثانویه به بررسی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ۵۹/۵ درصد از دانشجویان در سطح متوسط و ۱۷/۵ درصد در سطح زیاد، گرایش به مهاجرت از کشور دارند و فقط ۲۳ درصد از آن‌ها در اندیشه مهاجرت نیستند. نقش دو متغیر «پایبندی به جامعه‌ی ملی» و «دینداری» به عنوان عوامل بازدارنده و «نگرش انتقادی نسبت به شرایط کنونی و آتی جامعه» به عنوان عوامل ترغیب‌کننده گرایش به مهاجرت،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-27]

از نظر آماری مورد تأیید قرار گرفته همچنین گرایش به مهاجرت در مردان بیشتر از زنان و در پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالا بیش از پایگاه پائین است (جواهری و سراج زاده، ۱۳۸۰). آراسته (۱۳۸۰) در تحقیقی تحت عنوان« بررسی رضایت شغلی و عوامل مهاجرت اعضای هیأت علمی فارغ التحصیلان خارج از کشور» در بین ۴۸۱ نفر از اعضای هیأت علمی دانش آموخته‌ی خارج از کشور انجام داده، حاکی از آن است که علاوه بر عوامل شغلی (فرصت پیشرفت) و عوامل شخصی (رفاه فردی و خانوادگی)، متغیر های دیگری مانند آزادی شغلی، آزادی علمی و شرایط اجتماعی- سیاسی بهتر، از جمله عوامل زمینه ساز مهاجرت اعضای هیأت علمی است (آراسته، ۱۳۸۰). علاء الدینی و همکاران (۱۳۸۰) در تحقیقی با عنوان "میزان تمایل به مهاجرت و علل آن در بین پزشکان" انجام داده‌اند، مطالعه به صورت پیمایش پستی بر روی نمونه‌ای تصادفی از پزشکان ۹۴-۲۴ ساله ثبت شده در نظام پزشکی شامل ۵۴۸۲ نفر انجام شده و نتایج بر روی ۲۷۸۹ پرسشنامه جمع‌آوری شده، مورد تحلیل قرار گرفته است. مهمترین عوامل زمینه ساز تمایل به مهاجرت از نظر پزشکان: درآمد کم و ناکافی و هزینه و تورم زیاد، وجود تبعیض‌های موجود در جامعه، نیاز به پیشرفت‌های شغلی و فقدان یا کمبود امکانات رفاهی بوده است (علاء الدینی، ۱۳۸۰).

علی آبادی (۱۳۸۰) در مطالعه‌ای با عنوان "بررسی اثرات جهانی شدن بر فرار مغزها در کشورهای جهان سوم" به تحلیل محتوای مقالاتی در این زمینه پرداخته و بیان می‌کند که دگرگونی روابط اجتماعی ناشی از جهانی شدن از طریق مقولات زیر منجر به فرار مغزها می‌شود؛ تبلیغ اینترنتی فرصت‌های شغلی، جستجوی اینترنتی مشاغل، ارزیابی اینترنتی صلاحیت متقاضیان مهاجرت و. . . همچنین نتایج نشان می‌دهد که نابرابری اطلاعاتی ناشی از جهانی شدن از طریق مقولات ذیل به فرار مغزها می‌شود. نابرابری در زیر ساختارهای فنی، نابرابری در سخت افزارهای کامپیوتری، نابرابری در دسترسی به تسهیلات اینترنت و نابرابری در تولید علم و دانش.

ابراهیمی (۱۳۸۱) در تحقیقی با عنوان "بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر تمایل دانشجویان رشته‌های برق و کامپیوتر به مهاجرت" روی ۲۰۳ دانشجوی این دو رشته در دو دانشگاه تهران و صنعتی شریف انجام داده است. نتایج نشان می‌دهد که عواملی مثل عدم بها دادن به نوآوری و ابتکار، استفاده مطلوب از ساعات کار، مبهم بودن آینده اقتصادی، عدم کفایت حقوق، دستمزدها وفرصت‌های شغلی در گرایش به مهاجرت افراد نمونه نقش داشته است (ابراهیمی، ۱۳۸۱).

عباسی(۱۳۸۲) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی جامعه شناختی گردش نیروی کار ماهر در سطح بین‌المللی با تأکید بر پیمایشی در زمینه فرار مغزها در ایران» با تکیه بر اطلاعات ۴۲ کشور جهان- ۲۷ کشور فرستنده و ۱۵ کشور دریافت‌کننده‌ی مهاجر- به مطالعه پدیده‌ی مورد نظر پرداخته است. یافته‌های او نشان می‌دهد، چهار متغیر سطح کیفی زندگی، دموکراسی، توسعه فرهنگی و درآمد، قدرت پیشگویی عضویت افراد در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-27]

دو گروه مهاجر و غیرمهاجر را دارد. در سطح کلان نیز تعیین‌کننده‌های اقتصادی، توسعه‌ی فرهنگی و دموکراسی بر میزان جذب و دفع نیروی کار ماهر تأثیر می‌گذارد (عباسی، ۱۳۸۲).

صالحی عمران (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی نگرش اعضای هیأت علمی درباره دلایل مهاجرت نخبگان علمی به خارج از کشور» که جامعه آماری آن شامل کلیه اعضای هیأت علمی دانشگاه مازندران بوده؛ با توجه به دو دسته از عوامل رانش (دافعه‌های داخلی) و عوامل کششی (جاذبه های خارجی)اشاره می‌کند که عواملی نظیر «عدم توجه اجتماعی به ارزش فعالیت‌های علمی؛ نبود تسهیلات لازم برای پژوهش، پایین بودن حقوق و دستمزد و احساس وجود تبعیض و نابرابری» به طور «خیلی زیاد» و «زیاد» به عنوان عوامل رانشی در مهاجرت نخبگان علمی به خارج از کشور مؤثر بوده‌اند. عوامل سیاسی مانند «وجود فشارهای سیاسی و نبود آزادی در ابراز عقیده» اهمیت چندانی در نظر اعضای هیأت علمی نداشته است. نتایج این تحقیق همچنین نشان داده که «امکانات مادی و رفاهی بهتر برای زندگی، ارتقای رشد علمی و حرفه‌ای، وجود فرصت‌های شغلی بهتر، دسترسی به دستمزد بیشتر، آسایش روانی و اجتماعی بهتر برای خود و خانواده، علاقه به زندگی در یک جامعه بدون احساس تبعیض و نهایتا ارتباط بهتر با نیازهای جامعه خارجی» به ترتیب در دیدگاه اعضای هیأت علمی به عنوان عوامل کششی قلمداد شده‌اند.

ذکایی در مقاله ای که در سال ۸۵ با عنوان« جوانان، جهانی شدن و مهاجرت‌های بین المللی: پژوهشی در میان نخبگان جوان» به رشته تحریر درآورده، اذعان می دارد که مهاجرت به عنوان تجربه ای از مصرف مکان و فضا، راه‌حلی است برای پر کردن فرصت‌های زندگی، در میان طیفی از نخبگان جوان، که با انتخاب آن به دنبال ارتقای سرمایه های فرهنگی و انسانی خویش و حفظ تمایز خویش هستند. وی در این مقاله با الهام از مفهوم نوگرایی بازاندیشانه متفکران مدرن و پست‌مدرن معاصر و با استفاده از رویکرد نظریه مبنایی به دنبال روشن ساختن تفسیر، معنا و اهمیت رفتار مهاجرتی نخبگان جوان بر هویت‌یابی و انگیزه‌ها و زمینه‌های اجتماعی فرهنگی موثر بر این رفتار است. نتایج پژوهش کیفی انجام شده بیانگر تأثیر آشکار فرآیندهای جهانی شدن و ارزش‌های جهان وطنی بر گرایش‌ها و ارزش‌های این گروه از جوانان است. به همان سان در سطح فردی تمایل به حفظ سلیقه‌ها و سبک‌های زندگی فردی، ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای و تحصیلی و نیاز به اثبات توانایی‌های فکری و حرفه‌ای، محرک مهمی در انتخاب رفتارهای مهاجرتی محسوب می‌شود (ذکایی، ۸۵).

محسنی تبریزی و ماندانا عدل (۱۳۸۵) تحقیقی را با عنوان «بررسی عوامل روان شناختی اجتماعی مؤثر بر تمایل اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های شهر تهران به مهاجرت به خارج از کشور» در بین کلیه اعضای هیأت علمی رسمی شاغل در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران که شامل ۱۸۱۴نفر بوده انجام داده‌اند، نمونه آماری این پژوهش ۱۲۰ نفر از اعضای هیأت علمی بوده که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که تمایل به مهاجرت به طور معکوس با رضایت شغلی، احساس امنیت شغلی، احساس

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-27]

رضایت از زندگی، درجه مشارکت سیاسی- اجتماعی، سال‌های اشتغال به دانشگاه و عوامل مداخله‌گر رابطه دارد. همچنین تمایل به مهاجرت به طور مستقیم با وضعیت اقتصادی- اجتماعی، عوامل دافعه و جاذبه همبسته هستند. نتایج حاصل از کاربرد رگرسیون چند گانه و تحلیل مسیر نشان می‌دهد که متغیرهای رضایت شغلی، مشارکت اقتصادی- اجتماعی، عوامل جاذبه، سال‌های اشتغال در دانشگاه و عوامل مداخله‌گر به عنوان تعیین‌کننده‌ترین عوامل مؤثر بر انگیزش به مهاجرت اعضای هیأت علمی مطرح‌اند و این متغیرها توانسته‌اند ۴۵ درصد از کل تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند (محسنی تبریزی و ماندانا عدل، ۱۳۸۵).

نیازی در سال ۸۶ در تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه میان ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی دانشجویان دختر با گرایش آنها به مهاجرت به خارج از کشور" در بین ۵۰۸ نفر از دانشجویان دختر مقطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکترا) در دو دانشگاه شیراز و فردوسی مشهد، را مورد بررسی قرار داده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که از میان متغیرهای جمعیتی مورد بررسی (سن، وضعیت تأهل و قومیت) متغیر وضعیت تأهل با گرایش به مهاجرت رابطه معناداری داشته است. از بین متغیرهای فرهنگی و اجتماعی نیز رشته تحصیلی، دانشگاه محل تحصیل، تحصیلات والدین، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، نگرش نسبت به جایگاه علم درایران، احساس تعلق به وطن، نگرش نسبت به عدالت جنسیتی، نگرش نسبت به حقوق بشر، ابعاد چهارگانه دینداری با متغیر وابسته رابطه معناداری داشته‌اند. در تجزیه و تحلیل چند متغیر، متغیرهای احساس تعلق به وطن، بعد پیامدی دینداری، استفاده از رسانه‌های جمعی، نگرش نسبت به جایگاه علم و پژوهش در ایران، نگرش نسبت به حقوق بشر و متأهل بودن با گرایش به مهاجرت دارای رابطه معنادار هستند و ۵۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نموده‌اند (نیازی، ۸۶).

عظیمی(۱۳۸۷) در تحقیق با عنوان «بررسی انگیزه‌های مهاجرت به خارج از کشور در استان‌های شمالی ایران» ضمن بررسی خصوصیات افراد علاقه‌مند به مهاجرت به خارج، گرایشات و رفتار مهاجرتی آنها را در ارتباط با عواملی مانند علل و انگیزه‌های مهاجرت، کشور یا کشورهای مقصد، چگونگی مهاجرت، نحوه اقدام افراد برای مهاجرت، میزان آگاهی متقاضیان مهاجرت از شرایط کار و زندگی کشورهای مقصد، آشنایی با فرایند مهاجرت و آگاهی از خطرات احتمالی مهاجرت مورد مطالعه قرار می‌دهد. روش تحقیق این مطالعه به صورت توصیفی- تحلیلی بوده و نمونه ۳۵۰ نفر از افراد علاقمند به مهاجرت به خارج از کشور در سه استان گیلان، مازندران و آذربایجان شرقی بوده که به صورت تصادفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مهاجرت به خارج از کشور مورد اقبال بسیاری از جوانان می‌باشد. در این میان مهمترین دلیل مهاجرتی افراد نمونه؛ ادامه تحصیل بوده است جوان بودن اکثر متقاضیان و هدف تحصیلی به عنوان مهمترین دلیل مهاجرتی برای اکثریت آنها، حکایت از آن دارد که فرصتهای تحصیلی موجود در داخل هنوز بازار تقاضای تحصیل را به ویژه در سطوح تحصیلات تکمیلی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-27]

کفایت نمی‌کند و یا اینکه با توجه به میزان بالای نرخ بیکاری در میان افراد تحصیل کرده، جوانان گرایش به تحصیل در خارج را دارند. دومین انگیزه افراد نمونه به مهاجرت، بهبود شرایط اقتصادی می‌باشد. شرایط اقتصادی کشور به ویژه در سال‌های گذشته که همراه با تورم بالا و عدم افزایش متناسب حقوق و درآمدها همراه بوده سبب عدم رضایت مردم شده، به همین دلیل ارتقای شرایط اقتصادی دومین دلیل از طرف متقاضیان مهاجرت مطرح شده‌است. شرایط بهتر اجتماعی و فرهنگی و در نظر گرفتن آینده فرزندان از دیگر عوامل مهمی هستند که به عنوان دلیل سوم و چهارم از طرف متقاضیان به مهاجرت مطرح شده‌است.
در تحقیقی که شیرازی و مصیب در سال ۲۰۰۶ تحت عنوان" تحصیلات و مهاجرت به خارج از کشور، عامل به وجودآورنده‌ی جامعه امریکایی- ایرانی" انجام داده‌اند، به بررسی علت مهاجرت ایرانی‌ها به امریکا پرداخته‌اند. نمونه‌ی این تحقیق، ۱۰۱فرد ایرانی ساکن در امریکا بوده، ابزار تحقیق پرسشنامه‌ای بوده که از طریق دو وب‌سایت مختلف به ایرانیان مقیم امریکا عرضه شده است. افراد نمونه دلایل مهاجرت خود را چنین عنوان کرده اند: فرصت‌های تحصیلاتی در امریکا(۸۷ درصد)، فقدان آزادی‌های اجتماعی در ایران(۴۶ درصد)، فشار های سیاسی و مذهبی به ترتیب ۱۵ و ۱۲ درصد از علت‌ها را به خود اختصاص داده است و ۷۱/۴ درصد معتقد بودند که اگر یک موقعیت اقتصادی، اجتماعی وسیاسی مناسبی در ایران دریافت کنند، به ایران باز خواهند گشت (Mossayeb, 2006 &Shirazi) در تحقیقی که شاه آبادی و همکاران در سال ۲۰۰۶ با عنوان بررسی عوامل فرار مغزها (یک مطالعه موردی از ایران) انجام داده است. به بررسی عواملی که بر روی فرار مغزها از ایران به کشورهای اروپایی در طول سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۵۲ تأثیر داشته پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که عواملی مثل میزان بیکاری، تفاوت میزان دستمزدهای در ایران و کشورهای اروپایی و همچنین تفاوت سطح رفاه در ایران و کشورهای اروپایی و تفاوت عواملی مثل GDP, GNE و GCF در ایران و کشورهای اروپایی تأثیر مثبتی داشته روی افزایش روند مهاجرت نخبگان به خارج از کشور. همچنین عواملی مثل جنگ، حقوق سیاسی، آزادی و بروکراسی تأثیر مثبتی روی فرار مغزها از ایران به کشورهای اروپایی داشته است (Shahabadi, et. al. , 2006). در تحقیقی که توسط پاوان، یهودا و نارش در سال ۲۰۰۷ با موضوع "مسأله‌ی فرار مغزها" در دانشگاه‌های میسوری و کلمبیای امریکا و دانشگاه‌های نرویچ و شرق آنجلیای انگلیس روی ۹۴۹ دانشجوی رشته مدیریت انجام شده است، از جمله دلایلی که این محققین برای پدیده‌ی فرار مغزها بیان کرده‌اند، عبارتند از: جهانی شدن، توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی و حمل و نقل، توسعه اقتصادی و ظهور بازارهای تجاری، غرب گرایی شدن تحصیلات مدیریتی، توسعه تحصیلات به عنوان یک صنعت مهم برای کشورهای شبیه امریکا، انگلیس و استرالیا و فقدان پایدار افراد متخصص در کشورهای توسعه یافته. (Naresh, &Pavan, Yehoda 2007)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-27]

نظریه محرومیت نسبی

این نظریه که توسط منگالام و شوارز وللر ارائه شده بیانگر آن است که احساس محرومیت از ارزشها و امور مطلوب، تحت شرایط خاصی، موجب مهاجرت می‌شود. بر اساس این نظریه، زمانی‌که جامعه قادر به تأمین نسبی احتیاجات و نیازهای افراد نباشد، احتمال بروز رفتارهای جمعی افزایش می‌یابد. یکی از این رفتارهای جمعی مهاجرت است که در چنین شرایطی احتمال وقوع آن افزایش می‌یابد. در شرایط محرومیت نسبی افراد برای رفع محرومیت خویش از امکانات مادی و معنوی اقدام به مهاجرت می‌کنند (لهسایی زاده، ۱۳۶۸: ۳۶).

نظریه نظام جهانی

بر اساس طرفداران این دیدگاه مثل والرشتاین (۱۹۷۴)، نکا (۱۹۹۴)، و پان چز (۱۹۹۲)، نظام سرمایه‌داری نیازمند انباشت سرمایه است و این هدف موجب جذب منابع کشورهای پیرامون به مرکز می‌شود. فرایند مهاجرت به خصوص مهاجرت نخبگان نیز بخشی از فرایند انباشت سرمایه محسوب می‌شود. ناموزونی در انباشت سرمایه، درجه توسعه و تجمع قابلیت فناوری، تراکم سرمایه انسانی برای کشور میزبان را به همراه دارد (استرابهر، ۲۰۰۰ : ۱۴ به نقل از عباسی، ۱۳۸۲: ۷۱).

نظریهٔ اقتصاد نئوکلاسیک

الف- نظریه کلان اقتصاد نئوکلاسیک: طبق این نظریه، مهاجرت بین‌المللی همانند مهاجرت داخلی به وسیله اختلاف جغرافیایی عرضه و تقاضای کالا به وجود می‌آید. در کشورهای دارای نیروی عظیم کار در مقابل سرمایه کم، دستمزدها در بازار کم می‌باشد. در حالی‌که کشورهای دارای محدودیت نیروی کار نسبت به سرمایه (سرمایهٔ بیشتری درمقایسه با نیروی کار دارند.) دستمزدهای بالاتری در بازار کار دارند. اختلاف دستمزد نیروی کار باعث می‌شود کارگران از کشورهای با دستمزد کم به کشورهای با دستمزد زیاد حرکت کنند. در نتیجه این حرکت عرضه کارگران در کشورهای فقیر از نظرسرمایه کاهش می‌یابد و با کاهش عرضه، دستمزدها افزایش می‌یابد. مشابه جریان نیروی کار که از کشورهای دارای نیروی کار فراوان به سوی کشورهای دارای کمبود در نیروی کار است، سرمایه نیز از کشورهای غنی از سرمایه به کشورهای فقیر جریان می‌یابد (مسی، ۱۳۶۴: ۸۵).

ب- نظریه خرد اقتصاد نئوکلاسیک (رویکرد هزینه- فایده): در این رویکرد به نمای فردی تصمیم به مهاجرت توجه می‌کنند و مهاجرت کنشی در ارتباط با اختیار و اراده فرد در نظر گرفته می‌شود(Smith, 1995). در این طرح عاملان و کنشگران عاقل منفرداً تصمیم به مهاجرت می‌گیرند زیرا محاسبه هزینه- فایده باعث می‌شود انتظار بازده خالص مثبتی را، معمولا بازده پولی، از مهاجرت داشته باشند (مسی، ۱۳۶۴: ۸۶).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-27]

نظریه اقتصاد جدید مهاجرت

طبق این نظریه، تصمیمات مهاجرتی به وسیله هر یک از افراد به تنهایی گرفته نمی‌شود، بلکه واحدهای بزرگتری مثل خانواده چنین تصمیماتی را می‌گیرند که در آن نه فقط برای بیشتر کردن درآمد مورد انتظار بلکه همچنین برای کمترکردن خطرات و محدودیت‌های همراه با شکست‌های گوناگون بازار، بجز آنهایی که در بازار وجود دارد، به طور جمعی عمل می‌کنند (همان، ۸۸).

نظریه راونشتاین

این نظریه از قدیمی‌ترین نظریه‌ها در باب مهاجرت می‌باشد. وی با وضع قوانین جاذبه و دافعه در مهاجرت مدعی شد که عوامل جاذب اجتماعی- اقتصادی و فیزیکی فرد را به سوی مهاجرت ترغیب و تحریک می‌کند. در مقابل، شرایط نامطلوب اجتماعی و فیزیکی او را از سرزمین مألوف رانده و دفع می‌کند (238:Weeks, 1999).

نظریه جاذبه و دافعه اورت. اس. لی

بر اساس مفروضات این نظریه، الف: عوامل جاذبه یا بر انگیزنده شامل عوامل اقتصادی: توسعه اقتصادی، تقاضا برای نیروی کار، امنیت سرمایه و تسهیلات با ساختار پائین. عوامل سیاسی: دموکراسی اجتماعی، تمرکز زدایی، دیوان سالاری روان تر، سیاست کمک و همیاری. عوامل اجتماعی و فرهنگی: نظم و قانون، جذابیت های تحصیلاتی و پژوهشی، رفاه بیشتر (سطح بالاتری از کیفیت زندگی) و عوامل جمعیتی: باروری پائین، جمعیت فعال پائین، نسبت جنسی نامتوازن. ب: عوامل دافعه شامل عوامل اقتصادی: فقر، تورم، کساد مالی و کشمکش های اقتصادی، کثرت نیروی کار، حقوق کم برای شغلهای سخت و با مهارت، میزان بالای مالیات. عوامل سیاسی: تعصب سیاسی، نوع ایدئولوژی، استبداد و عدم ثبات سیاسی(فقدان آزادی). عوامل اجتماعی و فرهنگی: پیوند خانوادگی، ازدواج، خواسته‌های تحصیلی، نارضایتی زندگی، میزان جرم وجنایت و. . . عوامل ناگهانی مثل جنگ، آزار و اذیت و شکنجه. (Moghaddas, 2003: 5) بنابراین بر اساس نظریه اورت لی عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت به خارج از کشور را می‌توان در چارچوب‌های زیر مورد بررسی قرار داد. خصوصیات و ویژگی‌های شخصی – عوامل برانگیزنده و باز دارنده در مبدأ – عوامل برانگیزنده و بازدارنده در مقصد و عوامل مداخله‌گر (زنجانی، ۱۳۷۱: ۶۸).

نظریه جهانی شدن

جهانی شدن را می‌توان به عنوان تشدید روابط اجتماعی جهانی تعریف کرد. همان روابطی که موقعیت‌های مکانی دور از هم را چنان به هم پیوند می‌دهد که هر رویداد محلی تحت تأثیر رویدادهای دیگری که

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-27]

کیلومترها با آن فاصله دارند، شکل می‌گیرد و برعکس (گیدنز، ۱۳۸۰: ۷۷). جهانی شدن، حداقل با فرایند نوگرایی همزمان است و از اینرو آغاز آن به قرن ۱۶ برمی‌گردد وشامل فرایندهای نظام‌مندکردن اقتصاد، روابط بین الملل در بین دولتها و ظهور یک فرهنگ و آگاهی جهانی است. این فرایند در طول زمان تشدید شده و در حال حاضر در سریعترین مرحله توسعه خود است (واترز، ۱۳۷۹: ۹۵). جهانی شدن فرایندی متمایز کننده و همگون ساز است و با پذیرش ارزش خرده فرهنگ‌ها و توانایی‌های محلی، جهان را به سوی کثرت گرایی سوق می‌دهد (همان منبع:۱۹۹). مهاجرت متخصصان به کشورهای توسعه یافته نتیجه افزایش تعامل جهانی و نابرابری جهانی پایدار میان ملت‌ها که هر دو بازتاب روند تعامل جهانی شدیدی هستند، می‌باشد. از یک طرف، با شدت گرفتن فرایند جهانی شدن، روابط بین کشورها به ویژه بین جهان توسعه یافته و در حال توسعه تقویت می‌شود. از طرف دیگر، این فرایند، اختلاف کلی کشورها را از لحاظ توسعه یافتگی حفظ و استمرار می‌بخشد (Yang, 1998: 629 &Cheng).

۱. نظریات مربوط به علل مهاجرت با رویکرد اقتصادی

۱-۱. نظریات مهاجرتی کارکردگرایان

این نظریات به نقش دولت‌ها و سیاست‌های آن‌ها در فرآیند مهاجرت اشاره می‌کند و مدلهای جاذبه- دافعه را در این ارتباط، مؤثر می‌داند. بر اساس این نظریات، هر گونه تغییری که در جوامع صورت می‌گیرد، در جهت رسیدن به تعادل است و مهاجرت نیز چنین تغییری محسوب می‌شود.

اساس نظریات مذکور، جامعه شناسانه است اما از آنجایی که اقتصاد از زیر شاخه‌های علوم اجتماعی محسوب می‌شود، شاخص‌های اقتصادی نیز به نوعی از شاخص‌های اجتماعی محسوب شده و در این راستا، انتظار می‌رود مهاجرت مردم از نواحی با درآمد پایین به نواحی با درآمد بالا، صورت گرفته و منجر به راه‌اندازی جریان سرمایه شود (دی هاس، ۲۰۱۰).

نظریه مهاجرتی نئوکلاسیک‌ها، مشهورترین نظریه کارکردگرایانه اقتصادی است. این نظریه، پیامد مهاجرت را با تفاوت‌های اقلیمی بیان می‌کند که به علت دیدگاه‌های فردی، عقلایی و حداکثر سازی درآمد و سود محقق می‌شود و همین عامل، منجر به تغییر مکان (مهاجرت)، از نواحی با درآمد پایین به نواحی با درآمد بالا می‌شود که در آن فرد بهره‌ورتر و دارای دستمزد بالاتر است. برای نمونه، تودارو و هریس (۱۹۶۹) و تودارو (۱۹۷۰)، مهاجرت روستا به شهر را با یک مدل درآمد انتظاری مطرح کردند که، این مدل قابلیت گسترش به مدل‌های بزرگتر در سطح بین‌المللی را دارد.

۲. نظریات تضاد: ساختارگرایی

برخی دیگر از نظریات مهاجرتی، نظریات نئوکلاسیک‌ها را که مباحث عقلانی و هزینه- فایده‌ای را در مهاجرت وارد می‌کنند، رد می‌کنند. این اقتصاددانان جدید که مهاجرت را بر مبنای نیروی کار (NELM)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-27]

مطرح می‌کنند، فرض می‌کنند که پدیده مهاجرت در شرایط فقر و با ریسک بالا، صورت می‌گیرد و می‌تواند پاسخی برای غلبه بر پدیده شکست بازار محسوب شود (استارک، ۱۹۹۱ و استارک و بلوم، ۱۹۸۵ و تیلور، ۱۹۹۹) این نظریه، تلاش می‌کند تا مهاجرت را در غیاب پدیده دستمزد توضیح دهد (که در نظریه کارکردگرایی به شدت روی آن، مانور داده می‌شد). بر اساس اصول این نظریه، نابرابری درآمدی، محرومیت‌های نسبی و امنیت‌های اجتماعی در جوامع، علت اصلی مهاجرت‌ها، محسوب می‌شود (سکلدان، ۲۰۰۲ و استارک و تیلور، ۱۹۸۹) از این رو به نظر می‌رسد که، نظریات الهام گرفته از این نظریه برای کشورهای درحال توسعه و همچنین برای اشکال غیر کارگری مانند بحث‌های مهاجرتی پناهندگان، مفید باشد (دی هاس، ۲۰۱۰ و لیندلی، ۲۰۰۷) در حالی که، بسیاری این نظریه را یک فرم اصلاح شده، نظریه نئوکلاسیک می‌دانند اما برخی نیز معتقدند که این نظریه، یک نظریه تضاد ساختاری تاریخی است که بر گرفته از نظریات مارکسیست بوده و به انتقاد نئوکلاسیک‌ها پرداخته، نه تکمیل نظریات مهاجرتی.

۳-۱. پرکردن شکاف‌های توسعه‌ای (نظریات توسعه گرا)

ضعف نظریات مربوط به نیروی کار، نظریات مهاجرتی دیگری را مطرح کرد که به صورت کلی، عوامل اقتصادی تأثیرگذار در نظریات تضاد در کشور مبدأ مانند ساختار بازار کار، نابرابری‌های درآمدی، امنیت اجتماعی و. . . را به شیوه مطرح شده در نظریات پیش گفته، نادیده می‌گیرد و بیشتر روی رابطه میان مهاجرت و فرآیندهای توسعه صحبت می‌کند (دی هاس (۲۰۰۹) و هاتون و ویلیامسون (۱۹۹۸) و ماسی ((۱۹۹۱)

برای نمونه، بخشی از نظریه‌پردازان این حیطه، ایده‌هایی را مطرح می‌کنند در این باب که، توسعه کشورهای مبدأ، منجر به کاهش مهاجرت بین‌المللی از این کشورها می‌شود که به نوعی توضیح دهنده نظریات "جاذبه – دافعه" و مدل‌های جاذبه است که توضیح‌دهنده رابطه معکوس میان سطوح مطلق و نسبی توسعه و میزان مهاجرت‌های بین المللی است؛ در مقابل، گروهی دیگر از نظریه پردازان این گروه، توسعه بیشتر را از عوامل مهاجرت بالاتر می‌دانند. چرا که منجر به افزایش مهاجرت‌های بین‌المللی به مناطق توسعه یافته‌تر شده که با بهبود شرایط مهارتی و آموزشی مهاجران همراه است و در صورت بازگشت این مهاجران، منجر به جهش اقتصادی در کشور مبدأ می‌شود (دی هاس، ۲۰۰۹). (برای نمونه مهاجرینی که تنها به منظور تحصیل و یا آموزش‌های تخصصی در کشورهای توسعه یافته به این کشورها مهاجرت می‌کنند و پس از اتمام دوره تحصیلی به کشور خود باز می‌گیردند). دی هاس، در نظریه توسعه خود در این باب، به ارتباط میان مهاجرت و توسعه جوامع پرداخته و بیان می‌کند که ارتباط این دو مقوله، نه خطی است و نه معکوس بلکه این ارتباط، از طریق معکوس منحنی‌های **J** و **U**، نشان داده می‌شود. یعنی، در ابتدای روند توسعه، مهاجرت زیاد می‌شود و پس از این که به نقطه اشباع رسید، روند نزولی را طی می‌کند، به عبارتی پس از این مرحله، افزایش توسعه، موجب کاهش مهاجرت خواهد شد (دی هاس،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-27]

۲۰۱۰). مهاجرت‌های یاد شده، به منظور پر کردن شکاف‌های ساختاری میان کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته، انجام می‌شود و بر اساس، نظریه مذکور شکاف میان وضعیت توسعه یافتگی کشورها را پر می کند.

جمع بندی

مهاجرت به خارج از ایران را می‌توان از سال۱۳۳۰ (۱۹۵۰) به سه موج اصلی که با موقعیت اقتصادی و اجتماعی و انگیزه هایی برای مهاجرت در ارتباط بود سازماندهی کرد. اولین موج مهاجرت با بهبود یافتن شرایط اقتصادی تدریجی ایران و شروع استخراج نفت بعد از جنگ جهانی دوم آغاز شد. درآمد حاصل از صادرات نفت، تغییر ناگهانی در جامعه ایران از سنتی به مدرن را اجازه داد وشاهد تحرک خانواده طبقه میانی و بالا برای فرستادن فرزندانشان به خارج جهت کسب تحصیلات و دسترسی به امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، در این دوره بسیار دیده می‌شد. موج دوم، در اوایل انقلاب اسلامی اتفاق افتاد و عناصر لیبرال و سوسیالیست اولین گروه‌هایی بودند که جهت فرار از محدودیت‌های جنسی، خدمت نظام وظیفه و فشارهای جنگ ایران و عراق؛ کشور راترک کردند. همچنین افزایش مهاجرت افراد با تحصیلات عالی و مهارت بالا در اثر انقلاب فرهنگی را در این دوره شاهدیم (Hakimzadeh, 2006: 22) پدیده مهاجرت متخصصان، که از سال‌های ۱۳۳۰ شمسی در ایران شکل گرفته بود. با آغاز انقلاب اسلامی در اواخر دهه‌ی ۱۳۵۰ (۱۳۵۷) تا ربع سوم دهه‌ی ۱۳۶۰ مهاجرت متخصصان به خارج از کشور در سه مرحله و تحت شرایط و اوضاع و احوال متفاوتی شکل گرفته-است. مرحله اول: در آستانه انقلاب؛ یعنی ماه‌های پیش از بهمن ۱۳۵۷ که قشر وسیعی از متخصصان شاغل در نهادهای دولتی، اغلب در گروه نسبی بالا و با تجربه مطالعاتی از انقلاب‌های دنیا، آسان و سریع جذب جامعه میزبان و مشغول کار شدند. مرحله دوم: که از بهمن ۱۳۵۷ اغاز شد و طی آن گروه‌های متعدد بر اثر عوامل و انگیزه‌های متفاوت و در مقاطع زمانی مختلف مهاجرت کردند. در ماه‌های اول پس از پیروزی انقلاب به خاطر بروز ناآرامی‌ها و ناامنی‌های خیابانی، گروهی از ترس و وحشت با عجله و شتاب و بدون برنامه ریزی قبلی ایران را ترک کردند. این گروه، در واقع قشر دیگری از همان گروه اول بودند که روزهای پس از انقلاب را نتوانستند به درستی درک و پیش‌بینی کنند. در همین مرحله گروه سومی وجود دارند که حاصل دوران اولیه انقلاب از دانشگاه‌ها و مؤسسات و ادارات دولتی هستند. مرحله سوم که در آن دو عامل موجب شدت گرفتن مهاجرت متخصصان به خارج شد. عامل اول، بسته شدن دانشگاه‌هاو در فاصله کوتاهی از آن، عامل دوم که آغاز جنگ تحمیلی است. عامل اول موجب شد تا متخصصان جوانی که در اوایل انقلاب با اشتیاق به ایران برگشته بودند و هر کدام در دانشگاه یا مؤسسه‌ای مشغول به کار شده-بودند، چون هنوز به طور پیمانی یا ساعتی به تدریس اشتغال داشتند و به استخدام رسمی در نیامده بودند، با بسته شدن دانشگاه‌ها به کشور

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-27]

محل تحصیل خود بازگردند تا چه بسا با یافتن شغل جذب جامعه میزبان شوند. عامل دوم جنگ تحمیلی؛ به تدریج و در بلند مدت موجب مهاجرت اقشار مختلف، از جمله متخصصان به ویژه پزشکان شد که مجبور بودند مدتی را در جبهه بگذرانند. در این دوره حتی متخصصان بالقوه یعنی جوانانی که به سن خدمت نظام وظیفه رسیده بودند برای گریز از آن به طریق مختلف از کشور خارج شدند و در کشورهای اروپایی به تحصیل پرداختند و موفق به کسب تخصص شدند (نراقی، ۱۳۷۰: ۱۵-۱۳). جریان مهاجرت در این دوران را می‌توان به سه منطقه تقسیم کرد. اروپا، امریکا و کشورهای خلیج فارس؛ و علت اصلی مهاجرت ها دو دلیل بود: ۱- جهت ادامه تحصیل ۲- جهت یافتن شغل. (Lahsaizadeh, 2002: 67-70) بالاخره موج سوم که بیش از ۱۰سال گذشته را شامل می‌شود. یعنی از ۱۳۷۵ (۱۹۹۵)تا کنون. این موج جمعیت بسیار متفاوتی را در برمی‌گیرد؛ افراد با مهارت بالا، مهاجرت طبقه کارگر و پناهندگان سیاسی و اقتصادی با سطوح تحصیلاتی پایینتر و مهارت‌های کمتر از مهاجران قبلی(Hakimzadeh, 2006: 23)

بر اساس مطالعات انجام گرفته توسط صندوق بین‌المللی پول، در بین ۶۱ کشور در حال توسعه، ایران بیشترین درصد مهاجرت افراد با تحصیلات عالیه را دارد. سایر آمارها هم مهاجرت رو به رشد ایرانیان تحصیل کرده به خارج از کشور در دو دوره ۱۹۷۳-۱۹۹۳ را نشان می‌دهد، به گونه‌ای که در این دوره به طور میانگین هر سال نزدیک به دوازده هزار نفر نیروی کارشناس از ایران به دیگر کشورها مهاجرت کرده‌اند (حسینی نژاد و کافی، ۱۳۸۲؛ رونقی، ۱۳۷۵؛ دهقان، ۱۳۸۲به نقل از صالحی عمران، ۱۳۸۴: ۵۷). در عصر حاضر به دلیل جهانی شدن و تحولات بین‌المللی نظام‌های سیاسی، جابه‌جایی‌های مهاجرتی دستخوش دگرگونی‌های بنیادین شده است. ایران همانند کشورهای دیگر در این زمینه تغییرات چشمگیری دیده است. امروزه ایران دارای بالاترین میزان برون کوچی و درون کوچی و رشد شهر نشینی در جهان می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران در یک مقایسه بین‌المللی، در منطقه آسیا و اقیانوسیه با ۱۶ درصد مهاجرت متخصصان دارای دومین رتبه به لحاظ میزان مهاجرت نیروی انسانی متخصص به مقصد کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) است (محمدی الموتی، ۱۳۸۳: ۲۰۹).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-27]

فهرست منابع و مآخذ

ـ ابراهیمی، یزدان (۱۳۸۱). "بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر تمایل دانشجویان رشته‌های برق و کامپیوتر به مهاجرت" فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۴و۲۳.

ـ آراسته، حمید (۱۳۸۰). "بررسی رضایت شغلی و عوامل مهاجرت اعضای هیئت علمی فارغ التحصیل خارج از کشور". تهران: مؤسسهٔ پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

ـ ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۵). "جوانان، جهانی شدن و مهاجرت های بین المللی: پژوهشی در میان نخبگان جوان". [Online] < http: www. Sid. Ir. >[12 Feb 2006].

ـ رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۲). سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستائیان.

ـ زنجانی، حبیب ا... (۱۳۸۱). مهاجرت. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

ـ سراج‌زاده، سید حسین و فاطمه جواهری (۱۳۸۰). "بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت خارج از کشور"، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، شماره‌ی ۵۱– ۵۰، ص۵۳، تهران.

ـ شهبازی، مظفرالدین (۱۳۸۶). "بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر گرایش نخبگان علمی به مهاجرت". پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی. واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.

ـ صالحی عمران، ابراهیم(۱۳۸۴). "بررسی نگرش اعضای هیات علمی درباره دلایل مهاجرت نخبگان علمی به خارج از کشور". نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره پیاپی ۲۸، پاییز ۸۵.

ـ ظهیری نیا، مصطفی (۱۳۸۳). "بررسی گرایش جوانان به اشتغال در خارج از کشور و عوامل مؤثر بر آن (کشور های خلیج فارس)". فصلنامه‌ی مطالعات جوانان، شماره‌ی ۷.

ـ عباسی، رسول (۱۳۸۲). "بررسی جامعه شناختی گردش نیروی کار ماهر در سطح بین‌المللی با تأکید بر پیمایشی در زمینه فرار مغزها از ایران"، پایان نامهٔ کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی.

ـ علاءالدینی، فرشید و همکاران (۱۳۸۰). "میزان تمایل به مهاجرت و علل آن در بین پزشکان ایرانی". مجله پژوهشی حکیم، دوره هشتم، شماره سوم، پاییز ۸۴.

ـ علی آبادی، علی (۱۳۸۰). "بررسی اثرات جهانی شدن بر فرار مغزها در کشورهای جهان سوم". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.

ـ گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰). پیامدهای مدرنیته. ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز، چاپ دوم.

ـ لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). نظریات مهاجرت. شیراز: انتشارات نوید.

ـ محسنی تبریزی، علی رضا و ماندانا عدل (۱۳۸۵). "بررسی علل روان شناختی اجتماعی مؤثر بر تمایل

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-27]

اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران" نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال دوم، شماره ۴. زمستان ۱۳۸۶.

ـ محمدی الموتی، مسعود (۱۳۸۳). "جهانی شدن و مهاجرت نخبگان: بررسی تجربه ایران" فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۱۵.

ـ مرکز آمار ایران (۱۳۸۶). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۸۶ شهرستان‌های شیراز و ارسنجان.

ـ مسی، داگلاس (۱۳۶۴). نظریه‌های مهاجرت‌های بین‌المللی بازنگری و ارزشیابی. ترجمه‌ی پریدخت وحیدی. گزیده مسایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی. شماره‌ی ۱۴۳.

ـ میرزایی، محمد (۱۳۷۲). جزوه درسی جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

ـ میر فردی، اصغر (۱۳۸۵). "جهت‌گیری ارزشی و سازگاری آن با شاخص‌های توسعه انسانی در ایران: مطالعه موردی ساکنان شهرهای شیراز و یاسوج". پایان‌نامه‌ی دکتری جامعه‌شناسی. دانشگاه شیراز.

ـ نشاط قوجق، حاجی محمد (۱۳۸۱). "تعیین رتبه‌بندی توسعه یافتگی شهرستان‌های استان فارس با استفاده از منطق فازی" پایان‌نامه‌ی کارشناس ارشد اقتصاد. دانشگاه شیراز.

ـ نیازی، صغری (۱۳۸۶). "بررسی رابطه میان ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی دانشجویان دختر با گرایش آنها به مهاجرت به خارج از کشور"، پایان‌نامه کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز.

ـ واترز، مالکوم (۱۳۷۹). جهانی شدن. ترجمه اسماعیل مردانی‌گیوی و سیاوش مریدی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.

__ Baron, Robert. A. (1997). Social Psychology, New York: A Viacom Company.

__ Cheng, Lucie; Yang, PhilipQ. (1998). "Global Interaction, Global Ineguality, and Migration of the Highly Trained to the United States". International Migration Riveiw; Vol. 32, No. 3, pp. 626-653.

__ Collinson, S. (1999). "Globalization and the Dynamics of International Migration: Implication for Refugee Regim, New Issves in Refugee Research". Working Paper, No. 1(Geneva: UNHCR).

__ Hakimzadeh, sh. (2006). "Avast Diaspora Abroad and Million of Refugees at Home. " [Online]< http:// www. migration in formation. Org/USF ocus/ display. CFM? ID= 404. > [25Jun2005].

__ Lahsaeizadeh, A. (2002). Migration and Urbanization. Shiraz: Zar Publication.

__ Lin, Nan. (1978). Foundation of Social Research. New York: Mc Graw Hill.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-27]

__ Ludlow,T. (2005). "The Dynamics of Development and International Migration. "[Online]< http:// www. emory. Edu/ Alt Transp/ route b. html. > [3Aug2005].

__ Marshall, Gordon. (1994). Oxford Concise Dictionary of Sociology, New York: Oxford University Press.

__ Moghaddas, A a. (2003). "The Immigrants Social Mobility and Income Attainment: The Case of Iranians in Australia". Shiraz University, July 20, 2003.

__ Neuman, W. L. (1999). Social Research Method. London: Allyn and Bacon.

__ Pavan, A: Yehoda, B& Monica Naresh. (2007). " The Brain Drain Problem. " Journal of Development Economic; Vol. 83, Issue 1. May 2007,pp. 76-84.

__ International Organization for Migration. (2005). " Labour, Migration in Asia: Trends and Policy Responses in Countries of Origion". Geneva: IOM.

__ Shahabadi, A; Karim Koshteh, M. H & Mahmodi, A. (2006). "Investigating the Factors of Brain Drain (A Case Study of Iran)". Iranian Journal of Trade Studies (IJTS); Vol. 10(39), pp. 39-82.

__ Shahidalhag, M. (2006). " Managing Migration". International Organization for Migration, May 2006.

__ Shirazi, R; Mossayeb, S. (2006). "Education and Emigration : the Case of the Iranian- American Community. " [Online]< http: www. Dpenj- gate. Org/ Article list. Asp? Source= 18. Journal- ID= 95367-29k. >[24 April 2007].

__ Smith, T. (1995). How Well does Economic Theory Explain Iinternational Migration? Conference of Immigration , New York.

__ Stanton Russell, SH. (2000). International Migration: implications for the world bank. NewYork: WB.

__ UN(United Nations). (2002). Recommendations of the High- Level Panel of the Youth Employment Network. General Assembly Resolution. A/ 56/422. CB.

__ UN(United Nations), Report. (1998). Recommendations on Statitics of International Migration, Statistical Papers, No, 58. New York: UN.

__ Weeks, John R. (1999). Population, An Introduction to Concepts and Issues, Santiagon: Wadsworth Publishing Company.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-27]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-27]